



بررسی مصرف‌زدگی از نگاهی دیگر

اشیا معصوم نیستند، آنها امیال ما را بیدار می‌کنند!

■ حسن فرامزی

چند وقت پیش سخنرانی یکی از متفکران را می‌شنیدم که در حین سخنرانی به یک نکته ظریف درباره رابطه میان اشیا و امیال ما اشاره کرد. سخنرانی با تبیین این بیت سعدی آغاز شده بود که وقتی سعدی می‌گوید «چگونه شکر این نعمت گذارم / که دست مردم‌آزاری ندارم» معنایش این است که «دست‌سالم هم یک کمی آدم را به سبیلی‌زدن تحریک می‌کند. آدم وقتی دست نداشته باشد، به سبیلی‌زدن تحریک نمی‌شود ولی با اینکه به ظاهر خود دست معصوم است و وسیله‌ای از اختیار من و تو است، ولی آنقدر که معصوم به نظر می‌رسد، معصوم نیست». در ادامه به این موضوع پرداخته شد که وسایل نیز از چنین خصلتی بر خور دارند. مثلاً فرض

■ متفکرانی که مظروف را متهم و از ظرف دفاع می‌کنند

اگرچه امروز بر خسی از صاحب‌نظران و متفکران علوم اجتماعی و روانشناسی به ما می‌گویند که وسایل به خودی خود معصوم هستند – مثلاً ممکن است صبح با چاقوی آبشیز یکنید و شب با همان چاقو کسی را به قتل برسانید - اما واقعیت آن است که تمایل و امیال ما در طراحی وسایل نقش ایفا می‌کنند. در واقع میل و قصد و نیت ما در وسایلی که می‌سازیم نشت پیدا می‌کند، مثلاً چون احتمال می‌دهیم که از ما سرقت شود می‌رویم قفل را می‌سازیم یا روی دیوارهای خانه‌مان زرده‌های بلندی می‌کشیم.

آیا می‌توان گفت در این چارنده کاملاً بی‌طرفانه است؟ آیا همان زرده‌ها وقتی روی دیوار سوار می‌شوند به من نمی‌گویند احتمال دزدی در این کوچه زیاد است؟ از طرفی می‌شود بین طراحی، مهندسی، صنعت و نرم‌افزارسازی و هر دست‌ساز دیگر بشیر و تمایلات و امیال انسان‌ها رابطهای برقرار کرد. مثلاً بدافزارهایی که امروز در اینترنت و فضای مجازی وجود دارد آیا معصوم وی‌طرف هستند؟

■ آسبه کلایی

گاهی بعضی از واژه‌ها آنچنان برای ما تکراری می‌شوند که تأثیرگذاری‌شان را بر زندگی فردی و اجتماعی فراموش می‌کنیم. همین بی‌توجهی است که این واژه‌ها را تبدیل می‌کند به عادت‌های رفتاری و کارهای انجام‌شده‌ای که دنیا و آخرت ما را به خود گره زده است. یکی از این واژه‌ها اسراف است.

■ ■ ■

■ منشأ رنجش‌ها و دردها

کمی دقیق‌تر که به دنیای اطراف خود نگاه کنیم خواهیم دید جامعه ما چگونه در گیر موضوعی به نام اسراف است. اسراف به نظر واژه‌ای کلیشه‌ای است که همه ما خودمان را از آن مبرا می‌دانیم ولی خیلی از چیزهایی که در جامعه، من و شما را می‌رنجاند مثل بی‌عدالتی، فاصله طبقاتی، حسرت‌ها، چشم و همچشمی، مصرف‌گرایی و... به نوعی به ریسمان اسراف متصل است. ریسمانی که خود ما تا ر بودش را می‌سازیم. ریخت و پاش‌های مختلف به بهانه آپروداری‌های خیالی در مهمانی‌ها و در مراسمات عروسی و عزاء خریدهای نامعقول و بدون ضرورت به‌بهانه این عید و آن عید، گرفتن سسمینارها و همایش‌ها یا هزینه‌های بالا، اسراف در خوراک، پوشش، ابرار و... تار و پود این ریسمان را تشکیل می‌دهند. اسراف پیامدهای اجتماعی جبران‌ناپذیری دارد. آسیب‌هایی که به نابودی اقتصاد یک جامعه ختم می‌شود و قطعاً اگر از اسراف و زیاده‌روی و ریخت و پاش اموال شخصی حتی آب و نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقه‌ها، در عروسی‌ها، در بقیه مراسم و چه در موارد دیگر پرهیز شود، به اقتصاد یک کشور کمک می‌شود.

بنابر این مسئله اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه یک مسئله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که آینده کشور را در گیر می‌کند. زندگی بدون اسراف و همراه با مصرف در دست نعمات الهی در قران کریم بارها تذکر داده شده‌است که این خود حاکی از اهمیت و تأثیرگذاری این موضوع بر زندگی بشر است.

■ رابطه میان مصرف‌زدگی و بی‌طرف نبودن اشیا

به ابتدای این مطلب برگردیم. به تصحیح این تصور که اشیا بی‌طرف و معصوم هستند. آیا می‌شود از گزاره «شایبی طرف نیستند» به گزاره «مصرف‌زدگی» بل رنیم؟ تصور می‌کنم بین این دو رابطه موثقی وجود داشته باشد. یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها که می‌تواند دال بر بی‌طرف نبودن اشیا باشد، مصرف‌زدگی و به تبع آن آشفنگی ذهنی است که امروز در زندگی‌های ما وجود دارد و معنای اصل زنگی ما را تهدید می‌کند. اشیا به تعبیر آن متفکر به زبان بی‌زبانی می‌گویند: «از من استفاده کن.» ما وقتی روبه‌روی اگهی‌های تجاری‌ای که تحت لوای مصرف زدگی از رسانه‌ها و به ویژه رسانه‌های تصویری قرار می‌گیریم، آن شیء به زبان بی‌زبانی به ما می‌گوید که وقت آن رسیده است که از ما استفاده کنی. ما مثلاً هر روز از جلوی وبترین یک شیرینی فروشی رد می‌شویم که کیک‌ها و شیرینی‌های خوشمزه‌ای دارد، آن کیک‌ها و شیرینی‌ها به ظاهر خاموشند، اما در واقع آنها به زبان بی‌زبانی به ما می‌گویند که با پیش بگذار و مراه خله ببر.

■ چرانباید به خاطر یک بطری شیر به‌هایبمرارکت رفت؟

از این نکات می‌توان به اتخاذ شیوه‌ای در زندگی به نام

یکنید که شما می‌روید بازار و اجاق‌گازی می‌خرید که فردار است. وقتی قبلاً اجاق گاز شما فردار نبود طبیعتاً یک سری از آشپزی‌ها را نمی‌توانستید انجام دهید اما حالا که اجاق، فردار شده است این میل در شما بیدار می‌شود که بروید غذایی را تهیه کنید که خاص اجاق‌های فردار است چون تلنگری در درونتان ایجاد می‌شود که اگر قرار نبود مثلاً کیکیی یا باستا یا پیتزایی بی‌زید، پس چرا اجاق گاز فردار خریدید؟ یا به فرض شما می‌روید و موبایلتان را نو نوار می‌کنید. قبلاً دستگاه موبایل شما هوشمند نبود و فقط می‌توانستید با استفاده از آن تماس بگیرید یا پیامکی بفرستید و دریافت کنید اما بنا به خواست خودتان با اطرافیان می‌روید بازار و گوشی تلفن همراه هوشمند می‌خرید که امکان اتصال به اینترنت در آن وجود



اگرچه امروز بر خسی از صاحب‌نظران و متفکران علوم اجتماعی و روانشناسی به ما می‌گویند که وسایل به خود معصوم هستند – مثلاً ممکن است صبح با چاقویی آشپزی یکنید و شب با همان چاقو کسی را به قتل برسانید - اما واقعیت آن است که تمایل و امیال ما در طراحی وسایل نقش ایفا می‌کنند. در واقع میل و قصد و نیت ما در وسایلی که می‌سازیم نشت پیدا می‌کند

دارد و می‌توانید بسیاری از کاربردهای متنوع را با آن انجام دهید، حال حتی اگر شما بخواهید که با این گوشی تلفن همراه فقط تماس بگیرید و پیامکی بفرستید یا دریافت کنید صدایی در درون شما وجود خواهد داشت که به شما می‌گوید اگر قرار بود فقط تماسی گرفته شود یا پیامکی دریافت کنید پس چرا این گوشی هوشمند را خریدید؟ بنابر این این میل هم در ادامه در شما بیدار خواهد شد که بروید و قابلیت‌های این گوشی را یاد بگیرید تا از آن استفاده کنید و به دنبالش زمانی که شما به تلفناتن اختصاص خواهید داد سیر صعودی به خود خواهد گرفت. به تعبیر آن استاد «همه وسایل انگار دارند به زبان حال به ما می‌گویند» از من استفاده کن! «و بنابر این آن وسیله یک میلی در من و شما پدید می‌آورد.»

فیلتر کردن یا از صافی گذراندن اشیا رسید. منظور از از صافی گذراندن اشیا چیست؟ مثلاً چون می‌دانیم که فروشگاه‌های بزرگ میل ما را برای خریدهای غیر ضرور بیدار می‌کنند بهتر آن است که در برابر این میل ایستادگی کنیم، وقتی آدم به یک سوپرمارکت می‌رود به راحتی و بدون خجالت می‌تواند یک بطری شیر را بردارد و پولش را بپردازد و با وجدان راحت و حس خوب از سوپرمارکت بیرون برود اما وقتی شما به یک فروشگاه چند هزار متری زنجیرهای بروید و یک بطری شیر بردارید احساس خجالت می‌کنید چون حس می‌کنید که خیلی کم برداشته‌اید، حس می‌کنید که کسی در شما می‌گوید با این بطری شیر چه فتح‌فتحی کرده‌ای مردوا همه آدم‌ها انجام‌دارند به تو و آن بطری شیر نگاه می‌کنند و تو را یک آدم کم عقل تصور کرده‌اند. بنابر این مهم است که ما در دعوت اشیا به زندگی مان کاملاً برنامهریزی شده عمل کنیم چون می‌دانیم که اشیا بی‌طرف و معصوم نیستند و به محض اینکه ما آنها را می‌بینیم، میلی در ما بیدار می‌شود. مثلاً اگر من نیازی به خریدهای زیاد ندارم زندگی‌ام با ما شروع و این ورود دارم و می‌توانیم آن وسیله را بهر راستا یا آنچه در زندگی دنبال کنیم درآوریم؟

پس زندگی هوشمندانه و راحت‌تر زمانی امکان‌پذیر است که ما اشیا را بر داخت می‌کنم به تدریج خانه‌ام را پر پیک‌ها و حاملان خواست‌های سازندگان خود هستند و این پیک‌ها نمی‌توانند بی‌طرف باشند. ما همچنان که اجازه نمی‌دهیم غریبه‌ای وارد خانه‌هایمان شود این رویکرد را در باره اشیا هم باید داشته باشیم. بستن پنجره‌های شکلی و زیبارنگی، تبلیغات با استفاده عموم دلیل محکمی نیست که ما چشم‌سنس به سمت اشیا برویم دست آنها را بگیریم و وارد خانه‌مان کنیم، در ست‌ترین است که ما باید بدلیتم این شیء، چرامی خواهد وارد زندگی ما شود و آیا ما ادگی این ورود دارم و می‌توانیم آن وسیله را بهر راستا یا آنچه در زندگی دنبال کنیم درآوریم؟

حفظ میانه‌روی در مصرف و درست مصرف کردن هر محصول مصرفی، علاوه بر همه جنبه‌هایی که گفته شد، خود فرد هم به دوری از اسراف از نظر روحی به یک آرامش روانی خواهد رسید، آرامشی که فرد مصرف آن را هیچ‌گاه در میان حسن انبسامان مصرف‌گرایی، عدم رضایت، عدم قناعت و میل به تجملات واهی حس نخواهد کرد.

■ مصرف‌تاسر حد بیماری

بسیاری از روانشناسان اسراف را یک بیماری فردی و اجتماعی می‌دانند که به سرعت در حال رشد است. بیماری که انسان را غرق در رفغ نیازهای غیر ضروری می‌کند و وی را از رسیدگی به نیازهای اصلی خود بامسی‌دارد. مصرف‌گرایی، توجه بیش از حد به زرق و برق‌ها، تبلیغات کالاهای مختلف و مسابقه برای به دست آوردن مارک‌ها و برندها، این روزها گناه بزرگ اسراف را تبدیل به هنر کرده است. هر کس که بیشتر مصرف کند هنرمندتر است و حاصل این سبک زندگی جوانانی خواهد شد که همه دغدغه‌شان تعویض مدل ماشین، لباس، گوشی و... خواهد بود. پدیده بچه پولدارها در جامعه راه می‌افتد و این همان چیزی است که از طرفی عداوی از جامعه‌ا سرخورده و ناامید و از طرف دیگر عداوی را تبدیل به غول ثروت می‌کند. حال انتظار اینکه در چنین جامعه‌ای باز هم جوانانی همچون همت‌ها و باکری‌ها تربیت شوند کمی سخت است. قطعاً یکی از مشخصه‌های جوانانی که نامشان با شهادت عجین شد توجه به همین نکات بود؛ جوانی که قبل از رفتن در میدان مین و شگستن معبر لباس نو خود را تعویض می‌کند که اگر شهید شد بعد از او فرد دیگری هم بتواند از آن لباس استفاده کند! نکات در باب آسیب‌شناسی موضوع اسراف زیاد است ولی آنچه مشخص است این است که برای راهایی از یک جامعه اسرافگر و نجات جامعه از عواقب اسراف باید درست مصرف کردن تبدیل به یک فرهنگ عمومی شود و این امکان‌پذیر نیست جز با تغییر و تحول سبک زندگی فردی ما که منجر به تغییر سبک زندگی اجتماعی ما نیز خواهد شد.



شما می‌دهد و خداوند قدرتش وسیع و به هر چیز داناست»

در گذشته غذای نیم پرس در رستوران‌ها عرضه می‌شد تا هر فرد به اندازه نیازش خرید کند و حتی برای غذاها ظرف‌هایی در اندازه‌های مختلف بود تا مشتری بتواند بر طبق اشتهاش ظرف مناسب را انتخاب کند اما امروزه چنین فرهنگی از جامعه مارختر برسته و رستوران‌ها برای کسب سود بیشتر به هر فرد به مقدار یکسانی غذا می‌دهند و بر طبق آنچه این روزها تحت عنوان بی‌کلاسی باب شده است افراد برای آنکه کلاس کارشان پایین نیاید مابقی غذا را در ظرف باقی گذاشته و روانه سطل اشغال می‌کنند و این مصداق بارز اسراف و اسرافکاری است.

■ نقش همه مهم است، نقش زنان مهم‌تر اما اینکه چه کنیم تا این بالای خانمانسوز از جامعه رخت برپندد؟! بی‌شک اصلاح الگوی مصرف مربوط به یک نفر یا یک مسئول به تنهایی نیست بلکه این وظیفه هر فرد است که

از خود شروع کرده و سپس خانواده‌اش را در این زمینه آگاه سازد و خانواده‌ها دست در دست هم دهند و چه در مخارج افراد خانواده و چه در خریدهای خود به علل مختلف بر گزار می‌شود از اسراف و تبذیر جلوگیری کرده و جز در موارد ضروری خرج نکنند. پس نقش همه مهم است اما نقش زنان مهم‌تر.

اگر زنان جامعه ما بر مصرف افراد خانواده نظارت و مدیریت داشته و خود از مسرفین نباشند تا حد زیادی از این عادت غلط کاسته می‌شود. چراکه از ست ستون خانه و مربی اصلی فرزندان است که در آینده هر یک خود جامه‌ای خشن می‌پوشد تا بدانش نرود دنیا محل خوشگذرانی و راحت‌طلبی و ریخت و پاش‌های اضافی نیست!

■ قلم‌های خود را نازک کنید

در این بین برخی مسئولان نه تنها با پدیده اسراف به مبارزه بر نمی‌خیزند بلکه خود با

در عزا و عروسی اسراف می‌کنیم

بریز و بپاش برای لایک بیشتر!

■ ندا طباحیان

امروزه آنچه با سرعت وصف‌ناشدنی در تار و پود جامعه ریشه دوانده است و باعث شکاف عمیقی میان نسل امروز و نسل‌های پیشین گشته است مسئله اسراف و عدم قناعت در زندگی افراد جامعه است. اگر کمی ریزبینانه به مقایسه بین روش زندگی سه نسل بعد از انقلاب در کشور عزیزمان بپردازیم، به وضوح شاهد این خواهیم بود که به مرور زمان افراد جامعه ما، به علل مختلفی چون تهاجم فرهنگی و رواج رسم و رسومات نادرست که همگی برگرفته از چشم و همچشمی هستند از فرهنگ اصیل قناعت‌پیشگی دور شده و به فرهنگ وارداتی اسراف و تجمل‌گرایی روی آورده‌اند. اگر در قدیم، تنها افراد متمکن و اشرف، در جامعه به خرج‌های بیپوده و اسراف و تجمل‌گرایی می‌پرداختند، امروزه حتی افرادی که از تمکن مالی خوبی بر خوردار نیستند نیز دست از این عمل زشت که مخالف فرهنگ، دین و عقل است، برنداشته و روز به روز بر آداب و رسوم مبتنی بر اسرافگری‌های خود می‌افزایند. تا جایی که این امر باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای برای اکثر افراد جامعه شده است. از مراسم ازدواج که سنتی الهی است گرفته، تا مراسم ارتحال و تدفین مردگان و عزاداری همه و همه در گیر امر مذکور گشته‌اند.

■ از قافله اسرافکاران عقب‌نمائیم!

بد نیست اشاره‌ای به موضوع همه گیر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، گروه‌های آپ و گفت و گرفتن سلفی داشته باشیم که همه این عوامل دست در دست هم داده‌اند تا به پدیده اسراف و مصرف‌گرایی دامن زنند! چراکه هر فرد برای آنکه به افراد هم‌گروه خود اثبات‌کنند از ایشان کم‌نادر. برای اینکه از قافله اسرافکاران عقب‌نمانند و برای دریافت لایک از بقیه، چه خرج‌هایی که نمی‌کند تا سفره‌های رنگین و پر زرق و برق پهن کند، عکس گرفته و با دوستان و حتی در اکثر اوقات با افراد غریبه به اشتراک بگذارد و این در حالی است که بر خی، از پرداخت حداقل مخارج زندگی عاجز هستند و شب‌های زیادی را سر گرسنه بر بالین می‌گذارند!

برای دریافت لایک بیشتر در اینستاگرام نا قابل چه سفره‌هایی که پهن نمی‌شود، چه غذاهای اضافه‌ای که برای تشکیل تر شدن سفره پخته نمی‌شود و چه خرج‌های اضافی و غیر ضروری که نمی‌شود. از طرفی دیگر برخی با صرف هزینه‌های گزاف برای خرید لباس و کیف و کفش مارک و برندهای خارجی و پنهان کردن شخصیت خود در پشت این زرق و برقی‌ها شخصیتی متمن، متمکن و سرمایه‌دار را در ذهن دوستان مجازی خود جلوه می‌دهند و حال آنکه بسیاری از افراد از خرید ارزان‌ترین

■ آیا من آماده‌وروداین شیء

به زندگی‌ام هستم؟

پس زندگی هوشمندانه و راحت‌تر زمانی امکان‌پذیر است که ما اشیا را بر داخت می‌کنم به تدریج خانه‌ام را پر پیک‌ها و حاملان خواست‌های سازندگان خود هستند و این پیک‌ها نمی‌توانند بی‌طرف باشند. ما همچنان که اجازه نمی‌دهیم غریبه‌ای وارد خانه‌هایمان شود این رویکرد را در باره اشیا هم باید داشته باشیم. بستن پنجره‌های شکلی و زیبارنگی، تبلیغات با استفاده عموم دلیل محکمی نیست که ما چشم‌سنس به سمت اشیا برویم دست آنها را بگیریم و وارد خانه‌مان کنیم، در ست‌ترین است که ما باید بدلیتم این شیء، چرامی خواهد وارد زندگی ما شود و آیا ما ادگی این ورود دارم و می‌توانیم آن وسیله را بهر راستا یا آنچه در زندگی دنبال کنیم درآوریم؟